

اعلامیه رفیق گارباچف

پیشنهاد جدید اتحاد شوروی برای صلح بدون جنگ افزارهستنه‌ای

در اروپا از مجموعه مسایل جداگردد و درباره آن بلافاصله موافقت جداگانه به عمل آید. برداشتن چنین گامی نه تنها آسان است بلکه درباره آن توافق قبلی نیز وجود دارد. در "ریکیاویک" صحبت از این شد که اتحاد شوروی و آمریکا طی پنج سال آینده تمام موشکهای میان برد را در اروپا نابود کنند. طی همین مدت موشکهای میان برد اتحاد شوروی در بخش آسیایی سرزمین ما تا رقم صد کلاهک رزمی کاهش می‌یابد، با تذکر این نکته که ایالات متحده می‌تواند همین تعداد کلاهک رزمی بقیه در ص ۲

روزی یک مارس ۱۹۸۷ روزنامه "پراودا" اعلامیه رفیق گارباچف را که شب پیش از آن در برنامه تلویزیون خوانده شده بود منتشر کرد. در اعلامیه آمده است: دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که این روزها مجموعه‌ای از مسایل را در پیوند با تحقق برنامه صلح بدون جنگ افزارهستنه‌ای مورد بررسی قرار داد، تصمیم گرفت گام بزرگی دیگری نیز در این راه بردارد. امروز بنام رهبری شوروی تصمیم زیرین را اعلام می‌کنم. اتحاد شوروی پیشنهاد می‌کند مسئله موشکهای میان برد



شماره ۱۴۵ دوره هشتم سال سوم سه شنبه ۱۳۶۵/۱۲/۱۹ بهاء ۲۰ ریبال

جنگ بی پایان

پیدا کند، چیزی دستگیرش نخواهد شد. آنچه که گفته و یا نوشته می‌شود، بویژه آن بخشی که مصرف داخلی دارد کاملاً درهم، مغشوش و ناروشن است.

در خارج از کشور تبلیغ می‌کنند که گویا ما مشغول دفاع از خود هستیم و می‌خواهیم متجاوزی را که به خاک ما تجاوز کرده و باعث زیانهای مادی و انسانی فراوان گردیده است مجازات کنیم. گاه نیز می‌گویند متجاوز باید مجازات شود تا دیگر کسی هوس تجاوز به دیگران را نکند. در عین حال مدعی‌اند که تمام بدبختی‌های منطقه ناشی از حکومت کنونی عراق است و گویی نه استعمارگران و امپریالیسم بین المللی بلکه رئیس جمهور عراق باعث تمام دشواریهای موجود در خلیج فارس و خاور نزدیک و کشورهای عربی شده است. اما وقتی به تبلیغاتی که برای توجیه لزوم ادامه جنگ در داخل کشور می‌شود توجه کنیم می‌بینیم که این رشته سردراز دارد و صحبت تنها بقیه در ص ۲

بیکارهای خونین در جبهه‌های جنگ، بویژه در حوالی بصره همچنان ادامه دارد و روزی نیست که صدای جمهوری اسلامی با طبل و دهل خبر از شبیخون "رزمندگان اسلام" به "ارتش زبون صدام" ندهد و از کشته و زخمی و اسیر شدن هزاران جوان عراقی اظهارشادمانی نکند. البته از انبوه جوانان ایرانی که مانند برگ خزان برزمین می‌ریزند سخنی به میان نمی‌آید تا آنجا که هنوز زنده‌اند به امید "امداد غیبی"، موج موج و با جنگ افزارسبک به استحکامات دشمن هجوم برند.

جنگ مهمترین مسئله کشور وانمود می‌شود، اما اگر کسی بکوشد برپایه گفته‌ها و نوشته‌های گردانندگان جمهوری اسلامی پی ببرد که جوانان ایرانی برای چه به کشتن داده می‌شوند، با کی دارند می‌جنگند و تا کی این جنگ باید ادامه

ادامه در گریه‌ها

در جریان دستگیری مهدی هاشمی و همراهانش - از جمله چند نماینده مجلس - بحث درباره "فقه سنتی" اوج گرفت. این دستگیریها بدستور شخص خمینی و در روند درگیری بین جناحها - که هنوز هم بشدت ادامه دارد - انجام شد.

اواسط آذرماه، سیدمهدی هاشمی برای "اعتراف داوطلبانه" در صفحه تلویزیون ظاهر شد. سپس ری شهری، وزیر اطلاعات ج.ا.ا، ذم‌صاحبه مطبوعاتی خود گفت: "حضرت امام از مدت‌ها پیش نسبت به انحرافات فکری این گروه احساس خطر کرده (بود) ... هدف این عده تسری دادن افکار التقاطی خودشان به حوزه‌های علمیه، روحانیت و در نتیجه کل جمهوری اسلامی بود." سیدمهدی هاشمی و همراهانش "تحت نام مقدس حزب الله، حزبی بوجود آورده بودند که شاخه‌هایی از این حزب در چندین شهر کشور مشغول فعالیت بود" (اطلاعات، ۲۲ آذر ۶۵). بقیه در ص ۴

امر مشترک - نبرد مشترک

چندی پیش موسوی اردبیلی گفت: "قاضی نباید متکی به تبعید، زندان و شلاق باشد. با شلاق نمی‌شود مملکت را اداره کرد". امروز نیز خوئی‌نی‌هایی گویند: "باشکنجه و تهدید کسی حق ندارد از متهم خود اعتراف بگیرد. زیرا قانون اساسی ما این کار را ممنوع کرده است و صرف نظر از اینکه این اقدام عملی غیرانسانی بشمار می‌رود، برای قاضی نیز نمی‌تواند منشاء اثر باشد" (اطلاعات، ۱۹ بهمن ۶۵).

گفته‌های مسئولان طراز اول قضایی ج.ا.ا در واقع اعتراف به وجود شکنجه‌های وحشیانه در زندانهاست. اما این مسئولان جرات بیان همه حقیقت را ندارند، چراکه آن را تف سربالا می‌دانند. برای آن که بیراه نرفته باشیم، به همین خیر اعدام شش نفر "جاسوس" و "تروریست" اشاره می‌کنیم که در کیهان ۱۶ بهمن منتشر شد، بدون آن که به نام و نشان اعدام شدگان، شرح پرونده و چگونگی دستگیری و تشکیل دادگاه و صدور حکم اشاره‌ای شود. چنین عملی و عمل‌های مشابه آن نشان می‌دهد که حرف خوئی‌نی‌ها درست است و حاکمان شرع نه تنها به قانون اساسی ج.ا.ا پایبند نیستند، بلکه همه اصول و ارزشهای انسانی را نیز زیرپایی گذارند. در فاصله چند ماه گذشته چندین فقره اعدامهای گروهی انجام شده، اما رژیم لب فرو بسته و حتی خانواده‌های اعدام شدگان را در حالت بی‌خبری نگاه می‌دارد، تعداد کشته شدگان زیر شکنجه بسیار است، اما کسی از نام و نشان آنها اطلاع ندارد. اینها دلایل دیگری نیز دارد که مهمترین آنها ترس رژیم از افشای جنایتهایی است که در زندان‌ها مرتکب می‌شوند.

رژیم تلاش می‌ورزد تا چنین وانمود کند که گویا از میزان فشار بر زندانیان سیاسی کاسته شده است و سروصدایی که در همه جهان در اعتراض به جنایتهای حاکمیت در زندان به راه بقیه در ص ۲

ما افشامی کنیم:

آزمایش داروهای میکروبی در زندان

هر از چندگاهی گوشه‌ای از جنایت‌های ضد بشری رژیم "ولایت فقیه" در زندانهای ج.ا.ا افشا می‌شود. براساس خبرهای رسیده، تا کنون گروهی از زندانیان سیاسی کشورمان مورد آزمایش داروهای میکروبی قرار گرفته‌اند. در اثر آزمایش این داروها، جوانان و اصولاً کسانی که دارای مقاومت بدنی بیشتری هستند اغلب دچار خون ریزی مثانه می‌شوند و در آنها که مسن ترند عوارض نوعی بیماری دیده شده است، که آن را "سرطان - شناخته نشده" نامگذاری کرده‌اند. گروهی از زندانیان سیاسی که مورد این آزمایش ضدبشری قرار گرفته‌اند تا کنون جان بقیه در ص ۲

امپریالیسم خبری و نفوذ آن در ج.ا.ا. در ص ۶

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جنگ بی پایان ...

امر مشترك - نبرد مشترك ...

بر سر رئیس جمهور عراق و حزب بعث نیست. دوازدهم اسفندماه رادیوی تهران سخنرانی یکی از رجال جمهوری اسلامی را پخش می‌کرد. او می‌گفت: "جنگ ما با عراق یک جهاد اسلامی است و جهاد اسلامی دفاع محسوب می‌شود و مشروع است". سخنران توضیح می‌داد که "سه نوع دفاع وجود دارد: یکی دفاع شخصی - اگر مال و جان و عرض او مورد تجاوز قرار گرفته باشد. دوم دفاع ملت - اگر به حقوقش تجاوز شده باشد و نوع سوم دفاع از حق انسانیت است. اگر کسانی به حقوق انسانی جامعه تجاوز کردند هم خود افراد جامعه و هم دیگرانی خارج از جامعه می‌توانند بپایخیزند و از حق انسانی جامعه دفاع کنند. اسلام این نوع دفاع را مشروع می‌داند". سخنران می‌گفت رژیم عراق به حق انسانی مردم عراق تجاوز کرده و وظیفه شرعی مردم ایران می‌دانست که برای ساقط کردن این حکومت به مردم عراق کمک کنند.

نکته شایان توجه برداشت سخنران از حق انسانیت بود. او می‌گفت "توحید و انتخاب صراط مستقیم الله که تنها راه تکامل و تعالی انسان و به ثمر نشستن همه استعدادها و قابلیت های اوست اگر مورد تجاوز قرار گیرد، یعنی اگر کسانی در کشورهای همسایه مانعی بر سر راه توحید گشتند باید در برابر آنان دفاع کرد. یعنی به آن کشورها لشکر کشید و توحید را برقرار کرد. این نوع جهاد را اسلام دفاع محسوب می‌کند و لازم می‌داند. حاکمیت دین در جامعه حق انسانها و در راس حقوق مردم است و ...".

نتیجه ای که سخنران از این مقدمه چینی‌ها گرفت این بود که: "ما در این جنگ تنها از حقوق خودمان دفاع نمی‌کنیم بلکه از حقوق دیگر ملتها هم دفاع می‌کنیم. ما نمی‌توانیم ببینیم ملت برادر عراق حق آزادی و انسانی و توحیدی اش در معرض خطر صهیونیستی باشد و ما آرام بنشینیم. رزمندگان ما باید تا سقوط نهائی صدام و آزادی ملت شریف عراق به نبرد ادامه دهند."

دیده می‌شود که دیگر صحبت بر سر دفع تجاوز نیست بلکه دخالت در امور داخلی دیگر کشورها بعنوان یک "وظیفه الهی" انگیزه جنگ و خونریزی گردیده است. فردا می‌توانند به همین بهانه به افغانستان هجوم ببرند یا به خطر افتادن "حجاب" را در ترکیه تجاوز به "توحید" تلقی کنند و همینطور تا "رفع فتنه از عالم" "جهاد دفاعی" را ادامه دهند:

"در اسلام جهاد اصولاً به معنی دفاع و کلا مشروع است. هر کجا حقی ضایع شود ما در حد توان و امکان باید در برابر متجاوزان بایستیم، تنها امید همه محرومان و مستضعفان در جهان این حرکت توفنده شما ملت است. تنها نقطه امید محرومان جهان، ایران است. تنها شما ملت نمونه و الگوستید که خدا بر شما منت گذاشته و به شما ماموریت داده و بارهائی ملتها را بر دوش شما گذاشته است. این ملت باید این

این در حالی است که "وظیفه" بازداشتها عموماً در حیطه اختیار وزارت اطلاعات، دادستانی، گشتهای سپاه و ارگانهای مخفی و غیرمخفی دیگر است. در واقع نیز دستگیریهای سازمان یافته و وسیعی توسط این نهادها ضدمردمی صورت گرفته است که شمار آنها با رقم یادشده قابل قیاس نیست.

در حالی که خامنه‌ای در نماز جمعه کلومی‌دراند که "فکر و گرایشهای سیاسی در اسلام آزاد است و هیچ کس را نمی‌توان بدین جهت مورد تعقیب قرار داد، علاوه بر این تفتیش عقاید در اسلام آزاد نیست" - و حتی پا را از این هم فراتر می‌نهد و ادعا می‌کند که "اگر کسی در تفکرات مذهبی خود دچار شک و شبهه شود از نظر اسلام ناشایسته نیست" - امروز بر کمتر کسی پوشیده است که اکثریت زندانیان سیاسی - که غده آنها دائماً روپه افزایش است - در واقع همان دگراندیشان و مخالفان ایدئولوژیک رژیم اند. سران ج.ا. چون توان برخورد ایدئولوژیک با دگراندیشان را در خود نمی‌بینند، در مواردی همانند یورش به حزب توده ایران، حتی از سازمان چهنی "سیا" یاری می‌گیرند و به انواع ترفندها و توجیه‌های "شرعی" متوسل می‌شوند و چه پرچسپهای ناروایی که به مخالفان ایدئولوژیک خود نمی‌زنند تا زمینه سر به نیست کردن آنها را فراهم سازند.

از اینها گذشته رژیم با سازماندهی به اصطلاح اطلاعات چهل و چند میلیونی سعی می‌کند که خصوصی‌ترین مسایل زندگی مردم را تحت کنترل قرار دهد و بدیهی است که در چنین چارچوبی امنیت شهروندان - حتی در زمینه‌هایی که بنظر خیلی پیش پا افتاده و جزئی می‌رسند - در خطر است. کار به جایی رسیده که منتظری در گفتار با کمیته‌چی‌ها هشدار می‌دهد: "برادران توجه داشته باشند که دنبال کردن مسائل جزئی و شخصی کار صحیحی نیست... باید آبروی مردم را حفظ کرد و رفتار شما برادران بگونه‌ای باشد که مردم احساس امنیت جانی و مالی و آبرویی کنند."

سخنان منتظری را از دیدگاه دیگری نیز می‌توان سنجد: نارضایی و فشار افکار عمومی از جمله در اعتراض به دستگیریها و اعدام و شکنجه در زندانها. اما این کافی نیست. باید هشدار داد که یکی از مهمترین علل جری شدن بیش از حد رژیم، تفرقه، سازمان نیافتگی و عمل ناهماهنگ نیروهای مترقی و انقلابی از جمله برای نجات جان زندانیان سیاسی است. نگاهی کوتاه به صفحات روزنامه‌های مترقی و انقلابی نشان می‌دهد که از هر سازمانی در چند ماهه اخیر یک تا چند نفر یا اعدام شده‌اند و یا زیر شکنجه جان سپرده‌اند. وقتی که نیروهای مترقی و انقلابی در بند با وابستگی‌های سازمانی و دیدگاههای متفاوت، یکجا در برابر جوخه‌های اعدام قرار می‌گیرند، یعنی اینکه دشمن مشترکی در برابر آنها وجود دارد. همینجاست که باید ضرورت نبرد مشترک در برابر دشمن مشترک مورد توجه قرار گیرد.

افتاده، می‌بایستی نیست. پیش از فرارسیدن سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ چنین تبلیغ می‌شد که با فرارسیدن "دهه فجر" گروهی از زندانیان سیاسی شامل عفو می‌شوند. اما در بخشنامه (۱) بند و یک تبصره ای که به همین مناسبت منتشر شد، از عفو زندانیان سیاسی خبری نیست و چنین کسانی جزو "مستثنیات" بشمار آمده‌اند. تنها توضیح داده شده که هواداران ساده، آن هم در صورتی که "توبه" آنان نزد دادستان و حاکم شرع و وزارت اطلاعات محرز باشد" می‌توانند در شمار عفو شدگان قرار بگیرند (اطلاعات، ۲ بهمن ۶۵). این نشان می‌دهد که به رغم نعل وارونه زدن، سروصدای رژیم درباره عفو و منع شکنجه و غیره چیزی جز پر هیاهو بر سر هیچ نیست و واقعیت های تلخ درون زندان به همانگونه است که پیش از این بوده است.

علاوه بر آنکه دهه‌ها زار زندانی سیاسی را خودسرانه پشت میله‌های زندان نگاهداشته‌اند، روز بروز بر رقم دستگیریها اضافه می‌شود و به ویژه گروه وسیع تری از جوانان تحت محاصره خفقان و پیگرد و دستگیری قرار می‌گیرند. بنابه اعتراف سید محمود میرلوحی "فرمانده کمیته انقلاب اسلامی" در فاصله آغاز سال ۶۵ تا آخر آذرماه، تنها از طریق کمیته استان تهران ۱۵۲۷ نفر از نیروهای مترقی و انقلابی دستگیر شده‌اند.

افتخار را درک کند و با تمام توان در راه رهائی ملت‌های محروم جهان بکوشد...". بدیگر سخن: جنگ، جنگ تا نابود شدن کامل نام و نشان ایرانی!

پرسش دیگر این است که مردم ما با کدام دشمن در حال جنگ اند؟ اگر دشمن فقط رژیم کنونی عراق باشد امید پایان یافتن جنگ به مرحال وجود دارد. اما هنگامی که فریاد می‌زنند این جنگ، جنگ با استکبار و کفر و الحاد و شرک جهانی و ابرقدرتها و با اصطلاح همه "دشمنان اسلام" است، معنی آن این است که جنگ تا "قیام قیامت" باید ادامه یابد، چرا که به فرض "حذف صدام" نه "استکبار جهانی" نابود می‌شود و نه آنچه که "کفر و شرک و الحاد" می‌نامند. سران ج.ا. چندان اصراری هم برای پنهان کردن مقاصد بیمارگونه خود ندارند و چه بسا علناً می‌گویند جنگ تا به اهتزاز درآمدن پرچم "لا اله الا الله" در سراسر جهان باید ادامه یابد. مقوله "جنگ دائمی تا انقلاب مهدی" بخشی از ایدئولوژی گردانندگان جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد و هدفی که دنبال می‌کنند "مسلمان کردن" تمام مردم جهان از طریق "ایجاد خوف در دل دشمنان" و صدور انقلاب است.

جنگ خونین و خانمان سوز ایران و عراق جنگی است پیبوده، نافرجام و بی هدف که تنها بسود امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و به زبان مردم ایران و عراق و همه خلقهای منطقه و صلح جهانی است.

پیشنهاد جدید اتحاد شوروی . . .

رادر سرزمین خود باقی بگذارد .
به محض اینکه پیمان مربوط به نابود کردن موشکهای میان برد اتحاد شوروی و ایالات متحده در اروپا امضا شود، اتحاد شوروی در توافق با دولت‌های جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی موشکهای عملیاتی - تاکتیکی با برد بیشتر را که در پاسخ به استقرار "پرشینگ - ۲" و موشکهای بالدار در اروپای غربی، نصب شده بودند از این کشورها بیرون خواهد برد. آنچه که مربوط به دیگر موشکهای عملیاتی - تاکتیکی می‌شود، ما آماده ایم بیدرتک گفتگو بمنظور کاهش و سپس محو کامل آنها را آغاز کنیم.

بدین ترتیب ممکن می‌شود که در مهلتی کوتاه، اروپا، خانه مشترک ما، از قسمت عمده بار سنگین هسته‌ای خلاص گردد. این می‌تواند گامی بزرگ و واقع بینانه در راستای آزاد ساختن کامل اروپا از تجهیزات هسته‌ای باشد. ما این پیشنهادها را روی میز مذاکرات در ژنو خواهیم گذاشت.

بارها به ما اطمینان داده اند که اگر اتحاد شوروی مسئله موشکهای میان برد را از مجموعه پیشنهادهایی که در "ریکیاویک" مطرح کرده است جدا کند، دستیابی به توافق در مورد آنها در اروپا دشوار نیست. اینک امکان خوبی برای اثبات آن در عمل پیدا می‌شود. اروپایی‌ها و خلقهای دیگر قاره‌ها در این انتظار هستند و منافع حال و آینده نیز چنین چیزی را می‌طلبند.

اکنون با جدا کردن مسئله موشکهای میان برد در اروپا، دولت شوروی همچنان دستیابی به توافق درباره تحدید قابل ملاحظه و سپس محو جنگ افزارهای استراتژیک را امر بسیار مهمی می‌داند. البته همانطور که بارها یادآوری شده است، انعقاد چنین پیمانی باید مشروط به مجاز نبودن استقرار جنگ افزار در فضای کیهانی باشد، زیرا میان آنها پیوند ارگانیک وجود دارد. در پایان اعلامیه رفیق گارباچف گفته می‌شود:

این شانس تاریخی را نباید از دست داد! ما در انتظار پاسخ فوری مثبت هستیم.

آزمایش داروهای میکربی . . .

سپرده اند و رژیم از اعلام نام آنها خودداری می‌ورزد، تنها نام کسانی از جمله رفیق رضاشلتوکی افشا شده است که در زندان به بیماری سرطان مبتلا شده بود. در میان آزادشدگانی که مدت کوتاهی پس از خلاصی از زندان درگذشته اند نیز عوارض بیماری نامبرده مشهود بوده است. ما بار دیگر چنانچه رژیم را محکوم می‌کنیم و از بشریت مترقی می‌طلبیم که برای نجات جان زندانیان سیاسی از چنگ دژخیمان ج.ا. همه توان خود را بکار گیرند.

افزایش ناچیز حداقل دستمزدها

ها، قدرت خرید زحمتکشان را بسرعت پایین آورد. پس از افتادن اهم های قدرت در دست روحانیت پیرو "ولایت فقیه" و پیدایش کجروی در روند انقلاب که حاصل آن تحمیل سیاست نادرست اقتصادی و تسلط سرمایه داران و زمینداران بزرگ و بویژه بورژوازی بازاری بر اقتصاد کشور بود و بویژه اصرار نامعقول حاکمیت در ادامه جنگ خانمانسوز نافرجام، تورم سرپای زندگی اقتصادی را فرا گرفت و ارزش پول ایران چگونه ای باور نکردنی سقوط کرد. اکنون نرخ برابری دلار آمریکایی که خود یک پول ضعیف بین المللی است با ریال کشور ما از ۷۵ ریال در آستانه انقلاب، به ۹۲۰ ریال در بازار آزاد رسیده که بمعنای ۱۲۰۰ درصد افزایش است. از اینجا می‌توان دید که افزودن ۴۰ ریال به حداقل دستمزدها، بی آنکه با کوشش برای مهار کردن تورم و جلوگیری از بالا رفتن بی بندوبار قیمت‌ها و هزینه مسکن همراه باشد، جز عوامفریبی و تظاهر به دلسوزی برای فروشندهگان نیروی کار چیز دیگری نیست. بویژه که در این روزهای وانفاسی جنگ، نه تنها خطر نیمه گرسنه زندگی کردن، بلکه خطر از دست دادن کار و گرسنه ماندن کامل، زحمتکشان میهن ما و خانواده هایشان را تهدید می‌کند. حل این مسایل بخرنج، حتی در چارچوب یک نظام سرمایه داری عقب مانده مانند نظامی که اکنون بر ایران حاکم است، نیاز به داشتن حداقل آشنایی با مسایل اقتصادی دنیای معاصر دارد. اگر کسانی هنوز تصور کنند که گردانندگان جمهوری اسلامی قادر به حل اینگونه مشکلات عظیم اجتماعی هستند، تنها خود را می‌فریبند. از کسانی که مسایل بخرنج جهان کنونی را نمی‌فهمند و می‌خواهند با نسخه‌های کهنه دردهای جامعه را درمان کنند نمی‌توان انتظار برنامه ریزی علمی و صحیح اقتصادی را داشت.

سیاسی، صدای اعتراض خود را راسر سازند. در جریان تظاهرات گروهی از اعضا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شرکت فعال داشتند و به افشای ماهیت ضد خلقی رژیم، بویژه در برخورد با زندانیان سیاسی، پرداختند. اعلامیه حزب توده ایران بشکل گسترده‌ای پخش شد و در روزنامه‌های کثیرالانتشار لندن، از جمله "مورنینگ استار" انعکاس یافت، و نیز پوستر تهیه شده از جانب سازمان حزبی در نقاط مختلف، بخصوص محله‌هایی که ساکنان ایرانی زیاد دارد، به دیوارها نصب گردید. "مورنینگ استار" با چاپ نمایی از زندان اوین و خبر اعتصاب، از اعدام گروهی از زندانیان سیاسی یاد کرده است.

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرد که در سال آینده حداقل دستمزدها از ۷۲۰ ریال کنونی به ۷۶۰ ریال افزایش می‌یابد.

بیکمان میزان کنونی حداقل دستمزد پاسخگوی هزینه‌های کمر شکن زندگی، چه برای خوراک و پوشاک و چه برای کرایه مسکن نیست و اگر تصور شود که با افزودن ۴۰ ریال به آن، کمکی به وضع دشوار معیشتی زحمتکشان می‌شود پنداری است باطل. وضع بسیار خرابتر از آن است که این مبلغ ناچیز گره گشا باشد. تورم سرسام آور کجا و افزودن ۵۰ درصد به حداقل دستمزدها کجا؟

در اوایل سالهای پنجاه، حداقل دستمزدها هنوز حدود ۵۰ ریال بود و در آستانه انقلاب که تورم افسار گسیخته منجر به اصطلاح "انفجار دستمزدها" شد، حداقل قانونی آنها به حدود ۲۱۰ ریال رسید. اما در آن هنگام قیمت‌ها در مقایسه با امروز وضع دیگری داشت:

گوشت کیلویی ۱۲۰ ریال بود، اما اکنون نرخ رسمی آن ۷۵۰ ریال است. و چون با این نرخ گوشت گیر کسی نمی‌آید باید آن را به بهای بیش از ۲۲۰۰ ریال از بازار آزاد خرید. به عبارت دیگر نرخ رسمی گوشت پس از انقلاب حدود ۶ برابر و نرخ غیررسمی آن ۱۶۹ برابر شده است.

روغن نباتی که قوطی پنج کیلویی آن ۲۵۰ ریال بود اینک ۴۵۰۰ ریال بفروش می‌رسد، یعنی قیمت آن ۱۲ برابر شده است. تخم مرغ از حدود کیلویی ۷۰ ریال به کیلویی ۲۵۰ ریال رسیده است. هزینه رفت و آمد در ظرف این چند سال چند برابر گردیده است. کرایه خانه نیز ده برابر شده است.

اگر افزایش جهشی حداقل دستمزدها بلا فاصله پس از انقلاب اندکی از دشواریهای زندگی کارگران کاست، سپس رشد بی بندوبار قیمت

همبستگی جهانی با . . .

اجتماعی فرانسه و بسیاری از نمایندگان احزاب کمونیست، با ارسال پیامهایی از این مراسم استقبال کردند. در این میان می‌توان از احزاب کمونیست عراق، ترکیه، لبنان، شیلی، پاراگوئه، تونس، حزب سوسیالیست و ترقی مراکش و انجمن دوستی و همبستگی فرانسه با خلقهای آفریقا نام برد.

تظاهرات در لندن

بدنبال اعلام خبر اعتصاب زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم، تظاهرات اعتراضی استفاده‌ای در مقابل شعبه "بانک ملی ایران" در لندن برپا شد. کمیته دفاع از حقوق مردم ایران در بریتانیا این تظاهرات را سازمان داد و از همه نیروهای مترقی بریتانیا طلب کرد که نسبت به رفتار وحشیانه مزدوران رژیم ج.ا. با زندانیان

ادامه درگیریها...

تکیه ری شهری بر "انحرافات فکری" و "تسری دادن افکار التقاطی" و بوجود آوردن "حزب" بیانگر آن است که خمینی و پیروانش در راس حاکمیت، برخلاف شعارهایی که درباره ضرورت آزادی بیان و عقیده و فعالیت احزاب و منع تقنین عقاید می‌دهند، حتی تاب تحمل "افکار" برخی از نزدیکان خود را، که با آنها دارای پایگاه عقیدتی مشترکی هستند، ندارند و وجودشان را "خطرناک" حس می‌کنند. دلیل این امر هم ضعف ایدئولوژیکی آنهاست. زیرا "فقه سنتی" نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه و خواسته‌های مردم باشد و بدیهی است که بسیاری از دل خوش کنندگان به آن، مفردگیری بچوبند. این روند روز بروز شتاب بیشتری می‌گیرد و رژیم برای جلوگیری از آن، حتی به کسانی که در بنیانگذاری نظام "ولایت فقیه" نقش داشته‌اند، رحم نمی‌کند. اختناق بحدی شدید شده است که علوی نماینده مجلس با ربونی می‌گوید: "گاهی ما خود جریبانی را انحرافی می‌دانیم و گاهی امام جریبانی را انحرافی می‌دانند. زمانی که امام عزیز جریبانی را انحرافی تلقی نمودند و بر خورد نمودند، گرچه ارتظر خود ما آن جریبان انحرافی نباشد، باید از امام عزیز تاسی نموده و آن جریبان را انحرافی تلقی نموده و با آن برخورد کنیم... امبدواریم پیش از اینکه در برابر دوربین ما قرار بگیریم، خودمان به بازنگری بپردازیم و افکار را تصحیح کنیم" (اطلاعات، ۱۸ دی ۶۵).

یکماه و نیم بعد از شوی تلویزیونی یادشده، خمینی در دیدار با اعضای "شورای مدیریت حوزه" علمیه قم "هراس خود را از کسانی که همیشه در فکر بوده‌اند که در حوزه علمیه نفوذ کنند" علنی کرد و گفت: "گروههای مختلف به این حوزه نظر دارند، چون در درآمدت می‌توانند کارهایی را که ما می‌کنیم بهم بزنند." "آن چیزی که تا بحال اسلام داشته است، همان فقه سنتی است و همه مهنتا باید معطوف این بشود که فقه به همان وضعی که بوده است محفوظ باشد. ممکن است اشخاصی بگویند که باید فقه تازه‌ای درست کرد که این آغاز هلاکت حوزه است و روی آن باید دقت بشود" (اطلاعات، ۵ بهمن ۶۵).

خمینی درباره ضرورت "تحقیق" در سابقه افرادی که به حوزه‌های علمیه وارد می‌شوند نیز رهنمودهای لازم را داد و بدینسان دست مسئولان امر را برای تصفیه حوزه‌های علمیه و بازداشت کسانی که دارای "انحرافات فکری" هستند، باز گذاشت.

بازداشت سیدمهدی هاشمی و همراهانش، که دایره آن برخی از نزدیکان منتظری را دربرگرفت و حتی بقول خلخالی خود منتظری را هم "زیر سؤال" برده بود، واکنشهای شدیدی را در میان جناحهای حاکمیت پرانگیخت و موجب آن شد که طرفین برای هم خط و نشان بکشند. احمد آذری قمی، نماینده راست ترین جناح روحانیت در مجلس - که جناح مخالف را در موضع

ضعف می‌دید - مخالفان آزادی بی‌بندوبار بخش خصوصی را چنین مورد تهدید و حمله شدید قرارداد: "اگر تصور می‌کنند که به بهانه حمایت از دولت عده‌ای از خدمتگزاران و فدائیان امام را می‌توانند بایکوت نمایند، سخت اشتباه کرده‌اند. اگر راست می‌گویید و از امام حمایت می‌کنید چرا عده‌ای از شما هنوز داستان سیدمهدی را می‌خواهید منحرف کنید و طی اعلامیه‌ای به امضاء ۱۴۵ نفر، گروه وابسته و منحرف و توطئه‌گر را محکوم نکردید؟ چرا هنوز عده‌ای در گوشه و کنار کشورمان آن را قضیه غیرقابل اهمیت تبلیغ می‌کنند و اهمیت را به قضایائی که در این حد نیستند می‌دهند؟" (اطلاعات، ۲۹ آذر ۶۵).

در این چارچوب، "رسالت"، مهمترین ارکان کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و مرتجع ترین بخش روحانیت، جریمه‌های مهدی هاشمی و همراهانش را چنین برشمرده: "قتل نفوس محترمه، زمینه چینی برای براه انداختن کشتارها و فتنه‌های خونین در میان کمیته‌ها و سپاه و دیگر نیروهای متعهد به انقلاب، توهین و تهمت و افترا و جعل اکاذیب و نشر شایعات خطرناک و هزارگونه حيله و ترفند علیه برجسته‌ترین و پاکترین اقشار مذهبی در جامعه و مسئولین ارکان انقلاب..." (۱۸ دی ۶۵)

حال ببینیم که منظور "رسالت" از "برجسته‌ترین و پاکترین اقشار مذهبی" چیست؟ به "رسالت" ۱۵ دی مراجعه می‌کنیم: "در نیمه دوم سال ۶۱ که بحث پیرامون مسائل اقتصادی اوج داشت، شخصیتها نظرات خویش را ارائه دادند. در اواخر سال ۶۱ هجری شمسی حضرت آیت اله آذری قمی قبل از خطبه‌های نماز جمعه قم سخنرانی کردند و نظرات فقهی خویش را با استفاده از تحریرالوسیله حضرت امام بیان داشتند. در همین رابطه مهدی هاشمی در سخنرانی‌اش گفت: "یک مشت فالتکبر و رمال بلند می‌شوند و معرکه گیری می‌کنند، اینها با کمال وقاحت و بیشرمی از پشت تریبون نماز جمعه قم می‌گویند که اسلام و انقلاب اسلامی از محرومین حمایت نمی‌کند". می‌بینیم که چگونه فقهای مهذب و عالی‌مقام جامعه محترم مدرسین مورد اهانت قرار می‌گیرند..." (۱۵ دی ۶۵).

یادآور می‌شویم که بنابه نوشته رسالت این سخنرانی مهدی هاشمی "خشم امام امت را پرانگیخت".

بطور کلی لب کلام و خواست این جناح چنین است: "امروزه حوزه‌ها و دانشگاههای ما باید در تصفیه عناصر باقیمانده این جریان بکوشند و رسوائی را که از نظر فکری و سیاسی در اثر تماس با اینها در ذهنشان باقی مانده است شستشو دهند و مجدداً به راه اسلام فقاقت و روحانیت بازگشت نمایند" (رسالت، ۱۵ دی ۶۵).

اما جناح مقابل نیز خاموش نماند. این جناح ضمن آن که چاره‌ای جز تأیید دستگیریهای انجام شده نداشت، کماکان بر سر برخی از مواضع اقتصادی خود پای فشرده. فی‌المثل "دفتر تحکیم وحدت" طی اطلاعیه‌ای نوشت:

"آنچه که زمینه رشد تفکرات انحرافی و چپ زده را فراهم می‌سازد، همان تفکر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و تا زمانی تفکر دفاع از سرمایه‌داری و سازشکاری در مقابل غارتگران و معامله بر سر اصول به قیمت عاقبت و امنیت اقلیت ثروتمند ریشه کن نگردد و "خط امام" را کاملاً حاکم نکنیم (!) همواره خطر رشد جریانات منحرف وجود خواهد داشت" (اطلاعات، ۹ دی ۶۵).

حائری زاده نماینده بیرجند نیز در نطق پیش از دستور مجلس گفت: "انقلاب اسلامی چپ را کوبید... اما با مخالفت و مبارزه با حرکت راست هنوز راه طولانی در پیش داریم، چون بسیاری از مقدس مآبان از این جریانات دفاع می‌کنند... و در واقع بهمانگونه که چپ را می‌کوبیم، اگر جریان راست را نکوبیم، انقلاب طریق وسطی و طریق درست خودش را طی نمی‌کند". وی با اشاره به دولتمردانی که روز سخن از "منتصفین" می‌گویند و شب رادر منزل "عمده‌التجار چند میلیون دلاری" می‌گذرانند، هشدار داد: "اگرما به راست برویم قطعاً چپ بطور مخفیانه رشد خواهد کرد" (اطلاعات دی ۶۵).

باید یادآور شد که در اینجا بحث بر سر درست و غلط بودن نظریه هانیست، بلکه منظور از نقل قولها، نشان دادن درگیری شدید بین جناحهاست. هیچ لازم به توضیح و تفسیر اضافی نیست که انتخاب "طریق وسطی" و بیان ضرورت مقابله با راست، برای جلوگیری از رشد چپ، نشان دهنده شناخت سطحی طرفداران این نظریه از واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی است. واقعیت این است که جناحهای مختلف حاکمیت در چارچوب تأیید "فقه سنتی" نظریات خود را بیان می‌دارند و "فقه سنتی" آتش شله فلکمکاری است که نمی‌تواند دارویی برای دردهای بیشمار گریبانگیر جامعه ما باشد. برای این که این واقعیت را بیشتر نشان دهیم، به "سخن روز" اطلاعات ۱۴ بهمن ۶۵ درباره "فقه سنتی" نگاهی می‌اندازیم:

"این فقه فقط در حوزه مسائل پیچیده مربوط به معاملات ربوی و چک و سفته و سرقفلی نیست که راه‌های شرعی آن را به منظور حل مشکلات مردم جستجو کرده و ارائه طریق می‌نماید، بلکه برای حل مسائل عامه مردم و رفع مشکلات کسانی که بعلت مضطر و ضعیف بودن، مظلوم و مغبون واقع می‌شوند نیز همین اندازه تلاش می‌کند و به آنها راه نشان می‌دهد" (اطلاعات، ۱۴ بهمن ۶۵).

یعنی اینکه "فقه سنتی" هم می‌کوشد "راههای شرعی" برای حل مشکلات رباخواران و چک و سفته‌پازان و دزدهای سرگردن بازار و دیگر غارتگران اجتماعی را به آنها نشان دهد، و هم راهنمای اشخاص "مضطر و ضعیف"، یعنی توده‌های دهها میلیونی مردم باشد. در این گفتار تناقض است. نمی‌توان گرگ و میش را در کنار هم راضی نگاه داشت. هشت سال بعد از انقلاب،

ریشه اعتیاد کجاست؟

اعتیاد به مواد مخدر در ایران ابعاد فاجعه باری یافته است. این بیماری اجتماعی چنان در جامعه محروم و آفت زده ما شیوع پیدا کرده که مسئولان رژیم نیز نمی‌توانند آن را مطابق شیوه مرسوم خود لاپوشانی کنند. نگاهی به روزنامه‌های مجاز رژیم که از صافی‌های متعدد سانسور خشک مغزان حاکم گذشته است، گوشه‌ای از این بیماری را نشان می‌دهد:

- "۲۸۰ کیلو تریاک در زابل کشف و ضبط شد". (کیهان ۹ شهریور ۶۴)
 - "بیش از ۴۰۰ کیلو مواد مخدر در محور یزد- نائین کشف شد". (ج. ۲۷.۱.۶۵ خرداد ۶۵)
 - "هنابر آمارهای ارائه شده توسط فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی در سال ۶۳، ۱۲۲۵۲ کیلو تریاک و ۱۲۹۵ کیلو هروئین از طریق این ارگان کشف شده است. در شش ماهه اول سال جاری نیز ۶۲۰۲ کیلو تریاک و ۵۸۶ کیلو هروئین ... پیدا شده است." (کیهان ۲۹ شهریور ۶۴)
 - "... کشف بیش از ۲۰ تن مواد مخدر ... طی یکسال (کیهان ۱۱ شهریور ۶۴)

البته دست اندرکاران رژیم با ارائه این واقعیت‌ها در مطبوعات مجاز دولتی می‌خواهند مانند گذشته خودنمایی کنند و قدرت سرکوب و سلطه اهریمنی خود را به رخ مردم بکشند. اما همه می‌دانند که با بکیرو پبندها و اعدام‌های بی‌حساب نمی‌توان اینگونه دردهای اجتماعی را درمان کرد. کارنامه سیاه رژیم ج.ا. در مجازات بی‌پندوبار معتادان و پخش کنندگان مواد مخدر نیز همین را نشان می‌دهد. اما برخورد مسئولان رژیم با این مسئله و مجازات مجرمان جنبه دیگری هم دارد. از طرفی سخنگوی شورای عالی قضایی از "برخورد قاطعانه دادسراها و دادگاههای انقلاب و عمومی با مواد مخدر" (روزنامه جمهوری اسلامی ۵ تیر ۶۵) داد سخن

واقعیت‌ها نشان می‌دهد که مبلغان "فقه سنتی" عملاً در جهت منافع ربا خواران و چک و سفته بازان گام برداشته و رو در رو با منافع زحمتکشان عمل کرده‌اند. در این چارچوب است که فخرالدین حجازی در آستانه هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب از ناتوانی در تبلیغ اسلام سخن می‌گوید: "دنیا می‌خواهد بداند آیا ما توانسته‌ایم مسائل و مشکلات جامعه را حل کنیم؟ نمی‌توان اسلام را بدون محتوی عملی تبلیغ کرد" (کیهان، تیر ۱۴ بهمن ۶۵).

رژیم "ولایت فقیه" هر حرکتی را که از خواست توده‌های عظیم زحمتکش سرچشمه می‌گیرد و در تضاد با منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان است، "بدعت" می‌شمارد و طبق ضوابط "فقه سنتی" با آن به مخالفت می‌پردازد. اما آنجا که پای استحکام قدرت روحانیون و توجیه ضعف‌های آنها پیش می‌آید، انکار هیچ بدعتی صورت نپذیرفته است. سرمقاله نویس

می‌دهد و از طرف دیگر در همین شماره روزنامه جمهوری اسلامی دادستان انقلاب اسلامی گنبد کاووس آزادشدن ۱۵۰ محکوم مواد مخدر را اعلام می‌کند و آزادی ۱۶۰ تن دیگر را در آینده‌ای نزدیک وعده می‌دهد. چند روز بعد (۱۰ تیر ۶۵) این روزنامه تقلیل مدت محکومیت عده‌ای دیگر از محکومان جرائم مواد مخدر را "بشارت" می‌دهد: "جناب دادستان" تاکید می‌کند که این بخش‌ها با توجه به "بخشنامه هیئت عفو امام" و "از طرف مقام معظم رهبری صورت" گرفته است.

در این "فرمایشات" و اقدامات "چاره جویانه" سردمداران بی‌مسئولیت و بی‌کفایت ج.ا. نیز مانند همه عرصه‌های زندگی اجتماعی کشور ما هرج و مرج و نابسامانی ویژگی بارزی است که ابعاد فاجعه را باز هم گسترده‌تر می‌کند. آنان از یک سو بکیرو پبندها را می‌اندازند تا به خیال خود با حربه مجازات درد را درمان کنند اما از سوی دیگر مجرمین را "آزاد" می‌کنند تا "عفو امام" را در بوق و کرنا بدمند. عفو دیکتاتورها باید هم شامل حال اینگونه مجرمان شود.

با همه این اقدامات بخش اعظم مواد مخدر وارداتی و تولیدشده در داخل کشور به دست مصرف‌کننده سیه روز می‌رسد و فقط بخش ناچیزی از آن توسط ارگانهای ریز و درشت ج.ا. توقیف می‌شود. از این گذشته کسی نمی‌داند که مواد توقیف شده به کجا می‌رود و به چه مصرفی می‌رسد؟ آیا مانند مشروبات الکلی توقیف شده به دست عوامل و ایادی لومین رژیم می‌افتد و با قیمت چند برابر و از راه‌های پنهانی دوباره بدست مصرف‌کننده می‌رسد؟ یا راه دیگری می‌یابد؟

مطبوعات مجاز دولتی می‌نویسند: "در حال حاضر بیشترین معتادین کشور را معتادین به هروئین تشکیل می‌دهند. تعداد معتادین کشور بین یک تا دو میلیون نفر ذکر کرده‌اند که اکثریت آنها ماده مرگ آفرین هروئین را استعمال می‌کنند" (کیهان ۶ خرداد ۶۴ - تاکید از ماست).

اطلاعات - که خیلی خوب نان را به نرخ روز می‌خورد - در این باره می‌نویسد:

"صدور حکم و فتوا مبنی بر مغایرت سلطنت با اساس اسلام و وجوب تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و نیز حرمت تقیه در شرایط خاص و وجوب اظهار حقایق و ولو بلیغ ما بلیغ" و همچنین نظریات و فتاوی مربوط به "ولایت فقیه" و دامنه قدرت و اختیارات این مقام بدعت شمرده شد. بدین ترتیب و با عنایت به این امور است که می‌بینیم فقه شیعه در ذات خود قدرت پاسخگوئی به همه تحولات و تغییرات را در همه زمانها دارا است و با این مفهوم است که می‌توان گفت فقه سنتی همان فقه پیوست است."

درباره "فقه سنتی" نگرش‌های گوناگون و متناقضی وجود دارد که نشان می‌دهد بحث میان حاملان این نگرشها پایان‌ناپذیر است و هیچ دردی از مردم دوا نمی‌کند. اداره کشور در پایان قرن بیستم با موازین فقهی، ام از سنتی و غیر سنتی، یعنی بازگشت به قرون وسطی.

واقعا هم که عجب ذکر کرده‌اند! یک میلیون نفر انسان در این تقریب آماری حضرات هیچگونه اهمیتی ندارد و این همه انسان را یکباره با نیش قلم یا معتاد و یا غیرمعتاد معرفی می‌کنند. از آن گذشته این رقم حتی اگر کمترین حد تقریب آماری حضرات را بحساب بیاوریم در مقایسه با جمعیت کل کشور که در سرشماری اخیر ۴۸ میلیون نفر محاسبه شده است رقم بسیار بزرگی است که باید تا کنون برای رژیم ج.ا. در جهان مقام "شامخی" را به ارمغان آورده باشد.

اما چرا این همه معتاد در کشور ما وجود دارد؟ در جامعه‌ای که فقر بیداد می‌کند، در کشوری که طبق آمار رسمی (که تعداد را حتما کمتر از واقعیت نشان می‌دهد) ۸۴۹۰۰۰ نفر بیکار دارد (کیهان ۲۵ فروردین ۶۴)، در میهن بلا کشیده و رنجیده‌ما که مردم هر روز شاهد سلاخی جوانان در چپه‌های جنگ هستند و شهرها و روستاها زیر آتش بمب و خمپاره له می‌شوند، در زندان سیاهی که انسان، کارا، آزادی او، شخصیت و فرهنگ او هیچ ارزشی ندارد، باید هم انتظار داشت که بیماریهای اجتماعی نظیر اعتیاد، خودکشی، سکنه‌های ناپهنگام، طلاق و ... ابعاد وحشتناکی بیابد.

اما در جوامعی که برای انسان ارزش قایلند، اعتیاد را از نظر موضعی و کوتاه مدت با توجه به مورد آن در درمانگاهها و بیمارستانهای ویژه درمان می‌کنند و درمان قطعی و واقعی این بیماری از نظر اجتماعی تنها با برنامه ریزی درازمدت عملی خواهد بود. تامین آموزش جوانان در مدرسه‌ها و دانشگاهها، فراهم کردن وسایل مفید اجتماعی نظیر کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و تشویق و گسترش ورزش و ... از اقداماتی است که برای ریشه کن کردن اعتیاد صورت می‌گیرد.

اما حکام مرتجع ج.ا. در کشور ما چه می‌کنند؟ - "مدیرکل گزینش دانشجو... گفت از مجموع ۵۸۲ هزار داوطلب تنها ۴۲ هزار نفر ... پذیرفته می‌شوند". (ج.ا. ۸.۱.۶۵ خرداد ۶۵)

- "در رابطه با وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۶۲ الی ۱۳۶۵ هیچگونه بودجه‌ای برای احداث امکانات ورزشی در نظر گرفته نشده است". (کیهان ورزشی - ۲ خرداد ۶۵)

- "اکثر شهرهای ما یک تخته تشک کشتی ... ندارند". (کیهان ورزشی - ۱۲ اردیبهشت ۶۵)

- "موسیقی از نظر امام ... اگر مطرب باشد یعنی در انسان حالت طرب و بازی ایجاد کند حرام است". (صاحب الزمانی نماینده مجلس - ج.ا. ۱۴.۱.۶۵ مرداد ۶۵)

اینها تدابیری است که از مغزهای بیمار و علیل سران ج.ا. تراوش می‌کند. اعتیاد حتی در چنان ابعاد گسترده‌ای که از آن سخن گفته شد، تنها گوشه‌ای از فاجعه عظیمی است که در نتیجه اقدامات ویرانگرانه و بی‌خردانه سران ج.ا. بر میهن بلا کشیده ما می‌گذرد. اعتیاد، هرج و مرج و خودکامگی، بیکاری، جنگ و کشتار، سرکوب و اختناق، زجر و شکنجه و زندان، با خون این رژیم عجین شده با جان آن بدر رود. برخیزیم و آن را از ریشه براندازیم.

امپریالیسم خبری و نفوذ آن در ج.ا.

امروز ما در جهانی زندگی می‌کنیم که نقش و اهمیت ارتباطات در آن هر روز افزایش می‌یابد. میلیونها نفر با استفاده از وسائل ارتباط جمعی نظیر رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات با اخبار و رویدادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقاط مختلف جهان آشنا می‌شوند و از آخرین دستاوردهای علوم و فنون بهره می‌گیرند. جریان درست، سالم و بی‌شائبه اطلاعات برای انسان امروز آنقدر اهمیت دارد که بدون اغراق می‌توان گفت که در صورت برقراری آن، دگرگونیهای شگرفی در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی پدید خواهد آمد. به همین دلیل یونسکو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، خواستار "نظم نوین اطلاعاتی" در جهان شده است. ارزش اطلاعات درست در زمینه زندگی سیاسی و اجتماعی توده‌ها آنگاه روشن می‌شود که توجه کنیم تفاوت بین اخبار و تحلیل‌های درست و نادرست، هم تراز تفاوت بین آگاهی و ناآگاهی انسانهاست.

اما امپریالیسم در عصر استفاده گسترده و روزافزون از ابزار نوین ارتباطات جمعی، همه وسائل موجود را برای حفظ نظام سرمایه‌داری و تحمیل توده‌ها بکار می‌برد. "جریان آزاد اطلاعات" که تئورسینهای بورژوازی مدام از آن سخن می‌گویند و جهان باصلاح آزاد به آن افتخار می‌کند، دروغ بزرگی است که پنگاهای بزرگ انحصار فرهنگی آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی، یعنی خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، کانال‌های رنکارنگ تلویزیونی و رادیوهای آنها، موعظه می‌کنند. واقعیت آن است که امپریالیسم سیاست اطلاعاتی خود را در تطبیق با هدفهای توسعه طلبانه اش تنظیم می‌کند و ظرفیت‌ها و پیچیده‌ترین شگردها و شیوه‌ها را برای تسلط بر آرای عمومی مردم، مورد استفاده قرار می‌دهد.

نگاهی به آمار و ارقام مربوط به نشر اطلاعات و اخبار در ایالات متحده آمریکا در این زمینه مفید است. "مرکز اطلاعات ایالات متحده" امروزه ۲۱۴ نمایندگان در ۱۲۹ کشور جهان دارد. در سال ۱۹۸۴-۱۹۸۳ بودجه این مرکز ۴۰۰۰۰۰۰ دلار بود. این مرکز مطالب تبلیغاتی ۱۰۰۰۰ روزنامه و ۵۰۰۰ ایستگاه رادیویی را تامین می‌کند. آمریکا برای نشر تبلیغات خود در کشورهای اروپا، آسیا، آفریقا و اقیانوسیه سالانه ۵ میلیارد دلار خرج می‌کند و بیش از ۲۵۰۰۰ نفر را در این رشته بکار واداشته است.

چهار خبرگزاری بزرگ جهان سرمایه‌داری که "جریان آزاد اطلاعات" مورد ادعای امپریالیسم را در انحصار خود دارند یعنی "آسوشیتدپرس" و "یونایتدپرس" در آمریکا، "فرانس پرس" فرانسه و خبرگزاری "رویتر" بریتانیا، با استفاده از متخصصان ورزیده‌ای که در "سیا" و "اینتلینجنس سرویس" و ... آموزش دیده‌اند، مدام مشغول عوام‌فریبی، تحریف و قلب اخبار

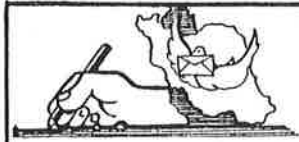
هستند. این پنگاهای خبری از طرفی خود با تحریف، سانسور و تغییر اخبار جهان بویژه در مورد انقلابها، مبارزات خلقها و کشورهای سوسیالیستی خبرهایی را منتشر می‌سازند و از طرف دیگر اطلاعات دروغ یا تحریف شده را در نشریاتی که در سراسر جهان در اختیار دارند پخش می‌کنند و از همین اطلاعات پنام اخبار و افکار عمومی جهان استفاده می‌کنند. البته این پنگاهای خبری درصد معینی اخبار تحریف شده را نیز بعنوان چاشنی دروغهای خود منتشر می‌سازند، زیرا در غیر اینصورت دروغهای آنان خریداری نخواهد داشت.

اکنون ببینیم بازتاب این تلاشهای امپریالیسم در روزنامه‌های رسمی ج.ا. چگونه است. ما اخبار خارجی یک هفته روزنامه اطلاعات را در آذرماه بررسی کرده ایم. از مجموع اخبار خارجی روزنامه اطلاعات در هفته مورد بررسی ۶۲ درصد از چهار خبرگزاری بزرگ امپریالیستی یونایتدپرس، آسوشیتدپرس، خبرگزاری فرانسه و رویتر عیناً نقل شده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۴٫۲ درصد از اخبار را مخایره کرده است که از این سهم کوچک در مواردی خبرهای کوتاه و بلند هم از قول خبرگزاری فرانسه و رویتر و نشریاتی مانند "نیویورک تایمز" و "ایندپیندنت" عیناً چاپ شده است. سهم سایر خبرگزاریهای کشورهای سرمایه‌داری نظیر خبرگزاری آلمان، خبرگزاری کره جنوبی، رادیو بین المللی فرانسه و رادیو بی بی سی نیز ۱۰ درصد نقل مستقیم اخبار است. با این حساب ۷۲٫۵ درصد از اخبار روزنامه اطلاعات در هفته مورد بررسی مستقیماً از منابع امپریالیستی و سرمایه‌داری گرفته شده است. مطالب خبرگزاریهای کشورهای سوسیالیستی ۱۷ درصد از اخبار این روزنامه را شامل می‌شود (در مجموع هفت خبر سیک خبر از تاس - ۵ خبر از خبرگزاری یوگوسلاوی و یک خبر از خبرگزاری کوبا) که خبرهایی کم اهمیت و دست دوم را در بر می‌گیرد. این خبرها در اکثر موارد مربوط به خود کشورهای سوسیالیستی نیست. روزنامه اطلاعات خبرهای مربوط به کشورهای سوسیالیستی را در اکثریت قریب به اتفاق موارد از همان خبرگزاریهای مورد علاقه خود یعنی یونایتدپرس و فرانس پرس و ... می‌گیرد. در هفته یاد شده در میان مقالات روزنامه اطلاعات مقالاتی از لوموند، میدل ایست و اسپیکل که همگی از ارگانهای تبلیغاتی امپریالیستی هستند، بی‌کم و کاست ترجمه و چاپ شده است.

از میان مقالات روزنامه "اطلاعات"، البته خارج از نونه آماری بالا، یک مقاله بسیار جلب نظر می‌کند. این روزنامه در شماره ۱۶ دیماه ۶۵ خود مقاله‌ای با عنوان "آیا آمریکا حاضر بود در خلیج فارس سلاح اتمی بکار ببرد؟" چاپ کرده است. این مقاله چنانچه خود روزنامه اطلاعات اشاره کرده است، ترجمه مستقیم از

"مجله" چورنال نیروهای مسلح" (آمریکا) مورخ سپتامبر ۸۶ است. زحمت ترجمه این مقاله را دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه ج.ا. کشیده است. اگر پوسته شرح و تفصیلات نظامی مقاله را کنار بزنیم، حرف اصلی مقاله بر سر آنست که گویا در سال ۱۹۸۰ شوروی نیروهای نظامی خود را که در "منطقه ماورای قفقاز در شرق ترکیه و شمال ایران، فیما بین دریای خزر و دریای سیاه مستقر بودند بطور سری به سطحی از آمادگی جنگی رسانیده بود که این نیروها قادر بودند در ظرف چند روز وارد خاک ایران شوند." می‌رسید چرا؟ طبق نظر افسانه پردازان "سیا"، زیرا ۶۰ درصد نفت جهان غرب از کشورهای خلیج فارس تامین می‌شود و ... چنانچه روسها به طرف جنوب حرکت کرده و منابع نفتی ایران را متصرف میشدند، می‌توانستند مانع از ارسال نفت به جهان آزاد گردند ... و "شوروی و ممالک اروپای شرقی در سال ۱۹۸۵ بصورت واردکنندگان نفت درخواست آمد." (۱۴) گویا مساله آنقدر جدی بوده است که برای ایالات متحده آمریکا که سراسر جهان را منطقه منافع حیاتی خود می‌شمارد، "... تنها راه باقیبمانده برای جلوگیری از تجاوز شوروی در آن موقع توسل به سلاحهای تاکتیکی اتمی بود." چنانکه می‌بینیم روزنامه "اطلاعات" در تبلیغ این دروغ بزرگ "سیا" سنگ تمام گذاشته است. در مطالبی که اخیراً در مطبوعات آمریکا راجع به روابط این کشور با ایران در ز کرده است از جمله درباره "مبادله اطلاعاتی" "سیا" با ج.ا. مطالبی نوشته شده است که چالب توجه است. روزنامه اینترنشنال هرالڈ تریبون نوشت: "... ارزیابیهای در مورد خطر شوروی "دگرگون شده" به مقامات رسمی ایران داده شده بود تا میزان تمرکز نیروهای شوروی را در مجاورت مرزهای ایران بطور اغراق آمیزی بیشتر از واقعیت جلوه دهد." گزارش همین روزنامه حاکیست که این کار را "سیا" کرده بود. "ایران نیرومند و ضدکمونیست" شعار دولت واشنگتن است و روزنامه اطلاعات هم با استفاده از دستپخت "سیا" در کارزار کمونیسم ستیزی شرکت می‌کند.

روزنامه اطلاعات بهیچوجه در میان روزنامه های ج.ا. استثناً نیست. در همه روزنامه های ج.ا. گذشته از تسلط بلامناع امپریالیسم خبری، اخبار داخلی بویژه اخبار ناراضی مردم از ادامه جنگ شدت سانسور می‌شود. زیانهای ناشی از جنگ، آمار کشته شدگان جنگ و ترکیب سنی آنان، خرید اسلحه از امپریالیسم و مقدار آن، خبرهای مربوط به تعقیب، سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی، خبرهای مربوط به شکنجه در زندانها، تعداد زندانها، تعداد زندانیان سیاسی و بودجه سرکوب و اختناق همه در مطبوعات ج.ا. زیر ساطور سانسور قرار می‌گیرند. تشدید تسلط امپریالیسم خبری و سانسور بر مطبوعات ج.ا. این وظیفه را در برابر مطبوعات مترقی و انقلابی ایران قرار می‌دهد که با دروغ پراکنی آنها هرچه فعالانه تر مبارزه کنند.

از همین
در بند

به مامی نویسند

پرواز مخالفت مردم با جنگ خانمان برانداز

در تاریخ ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱ مرداد و ۱ شهریور که در اثر حملات اخیر نیروهای عراق به این شهر خانه و کاشانه خود را از دست داده و به تهران مهاجرت کرده بودند به بنیاد امور مهاجرین جنگ واقع در خیابان طالقانی تهران مراجعه و خواستار رسیدگی به وضع خویش از سوی آن بنیاد شدند. ولی مسئولین با بی توجهی تمام از پذیرفتن آنان سر باز زدند. مردم که رژیم ج.ا. را مسئول بی خانمانی و آوارگی خود می دانستند به خیابان رفته و بست نشستند که باعث ترافیک سنگینی به مدت دو ساعت گشت. حدود ساعت ۵:۳۰ آوای "صلح صلح" و "ما صلح می خواهیم" بلند شد. بلافاصله تعدادی از مزدوران رژیم که در بنیاد شهید و بنیاد امور مهاجرین جنگ که در همان خیابان واقع است، کار می کردند به خیابان آمده و شعار "مرگ پر منافق" دادند تا صدای جنگ زدگان را خاموش کنند و پس از آن ماموران امنیتی رژیم سررسیده و آنان را متفرق کردند.

آوارگان جنگی و زندگی مشقت بار آنها

در اثر ادامه جنگ و بمباران مناطق مسکونی مانند باختران، اراک، اسلام آباد غرب، ایلام و ... بوسیله رژیم عراق مردم این شهرها خانه و زندگی خود را رها کرده و به سایر شهرها و روستاها کوچ کرده اند. بی خانمانی، بیکاری، گرسنگی و انواع مشکلات دیگر ناشی از ادامه جنگ، آنان را به ستوه آورده است. اخیراً تعدادی از اهالی باختران (کرمانشاه) که در تهران بسر می برند بخاطر عدم دریافت سهمیه کوبین دسته جمعی به وزارت بازرگانی رفته و به این امر اعتراض کرده اند.

دانشجویان و جنگ

در بسیاری از دانشکده ها و مراکز آموزش عالی با برگزاری سخنرانی ها و ایجاد تبلیغات گوناگون می کوشیدند که دانشجویان را به جبهه ها اعزام کنند. ولی وقتی متوجه شدند که دانشجویان حاضر به شرکت در جبهه های جنگ نیستند با تهدید به اخراج می کوشند که به مقصود خود نایل آیند. دانشجویان هنرهای زیبا در دانشگاه تهران را وادار می کنند که علیرغم میلشان در دسته های مختلف بطور نوبتی به جبهه بروند. هرکس مخالفت کند اخراج می شود و هیچ تضمینی نیست که پس از اخراج به عنوان ضد انقلاب سراز "دانشگاه اوین" در نیابورد.

سلاح ساخت سپاه پاسداران

در برخی از جبهه ها که از سلاح های سبک ساخت سپاه پاسداران و کارخانجات وابسته بدان استفاده می شود تعداد قابل توجهی از سربازان به واسطه عدم مرغوبیت این سلاحها کشته و مجروح شده اند. سربازی که در "فاو" خدمت می کند می گفت که سربازان ایرانی حاضر به استفاده از این سلاحها نیستند. زیرا پارها دیده شده که نارنجک ساخت سپاه قبل از پرتاب و حتی بطور خود بخود در دست نیروهای خودی منفجر شده است.

چند نمونه از نگرش طنزآمیز توده ها به واقعیت

- می گویند منظور از "امداد غیبی" آمدن مک فارلین به ایران است.
- پس از افشای ماجرای مک فارلین و روند سازش با آمریکا، مردم به میدان "امام حسین" می گویند: "میدان امام حسن".
- مسافری که قصد رفتن به "میدان توحید" (میدان کندی سابق) داشت، به تاکسی گفت: میدان کندی.
راننده گفت: آقا آنجا دیگر میدان کندی نیست، میدان توحید است.
مسافر گفت: ای آقا دلت خوشه، این که میدان کندی هست هیچ، تا چند وقت دیگر میدان پایینی هم (منظور میدان جمهوری اسلامی است) میدان مک فارلین می شود.

گفته ها و نوشته ها

گرفتن شهریه مغایر با قانون اساسی نیست
خبرنگار: "در سال جاری بسیاری از مدارس بالاجبار برای ثبت نام دانش آموزان شهریه دریافت کرده اند. آیا این کار با قانون اساسی مغایر نیست؟"

اکرمی، وزیر آموزش و پرورش: "... یک مبلغی از سوی انجمن اولیاء دبیرستان به والدین پیشنهاد شده که اسمش را نمی توان شهریه گذاشت و با قانون اساسی هم مغایر نیست. حتی گرفتن شهریه هم با نظر شورای نگهبان در زمان حال با قانون اساسی مغایرتی ندارد."
(اطلاعات - ۱۶ دی ۶۵)

اندر خواص کشتن و کشته شدن

ناطق ثوری در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه:

"رزمندگان همین که تصمیم می گیرند به جبهه نبرد بروند در همان مرحله اول خداوند آنان را از آتش جهنم دور می کند. جهادگر فی سبیل اله همین که برای رفتن مجهز می شود خداوند نزد فرشتگان به وجود چنین رزمنده ای افتخار می کند. در مرحله خروج این رزمنده از خانه و خداحافظی وی در دیوار خانه بر این رزمنده دعا می کند. این فرد از گناه جدا و گناهانش بخشیده می شود. این در موقعی است که این رزمنده، هنوز به جبهه نرفته است. بموقعی که این مجاهد به خط جبهه

می رود و آماده می شود که جنگ با کفار را آغاز کند، آنقدر که او ثواب و اجر به این رزمنده می دهد که علم مردم دنیا به ثبت و درج آن مقدار ثواب نمی رسد و قلم توانائی نوشتن و انسانها توانائی درک آن را ندارند. موقعی که حمله شروع می شود و برق نیزه ها و سلاحها دیده می شود و رزمنده در حال پیش روی در میدان جنگ است، در این مرحله فرشتگان بالهایشان را باز می کنند و این رزمنده را روی بال خود قرار می دهند و برایش نزد خداوند دعا می کنند. (مادران و پدران بدانند) آن تبری که در میدان نبرد به پسرشان برخورد می کند، برای او گوارتر از آب سرد خوشگوار است که به یک آدم تشنه خسته در تاپستان داده می شود. خداوند جافشین شهید در خانه اش می شود و سرپرستی فرزندانش به عهده خداوند متعال خواهد بود. شهید موقعی که وارد بهشت می شود، بر سر سفره محمد و پدرش ابراهیم قرار خواهد گرفت ..."
(اطلاعات "۴ بهمن ۶۵).

رو که نهیست، سنگ پای فزوین است

رفسنجانی - مصاحبه با روزنامه مصری "الشعب"
"مخالفین داخل پارلمان فقط افراد هستند و نه احزاب و از نامزدی هیچ فردی به اعتبار اینک عضو حزبی از احزاب دیگر است جلوگیری بعمل نمی آید. هر فردی این حق را دارد که خود را کاندیدا نماید و از خلال آرای مردم که در صندوقها ریخته می شود انتخاب شود."
(روزنامه ها)

هر کس از محدودیت آزادی صحبت کند،

شکندجه خواهد شد

وزیر ارشاد اسلامی در جمع خبرنگاران مشهد: "مطبوعات در انقلاب اسلامی آزاد بوده و بعنوان یک وسیله رشد فکری در خدمت جامعه اسلامی هستند... کسانی که از محدودیت آزادی در مطبوعات سخن می گویند بدون تردید ضدانقلاب بوده و عزم تخریب بنیاد و زیربنای اسلامی را دارند که بشدت با آنان برخورد خواهد شد. (روزنامه ها)

فرمانده، کل قوا خداست نه خمینی!

خمینی در دیدار با فرماندهان ارتش و سپاه: "میدانید در جبهه فرمانده شما کیه؟ فرمانده شما خداست. فرمانده کل خداست نه من. شما برای اجرای دستور و فرمان خدا به جبهه میروید و جنگ می کنید. پس فرمانده شما خداست. باید در پیشگاه او پاسخ بدهید و اجرتان را هم از او بخواهید. من فرمانده شما نیستم. آنجا باید جواب بدهید. حواستان جمع باشد" (کیهان، ۲۰ بهمن ۶۵).

نقش زن در دستگاه قضایی

بجنوردی، عضو شورای عالی
"در حال حاضر هفتاد قاضی زن داریم که تفاوتی نمی کنند، اما در کارهای دیگر فعالیت دارند."
(اطلاعات - ۱۹ بهمن ۶۵)

فیلیپین

به کجامی رود؟

فیلیپین حتی پس از تصویب قانون اساسی جدید، دورانی پس پر تنش را می گذراند. چند روز پیش فاش شد که جان سینگ لائوب سر مزدور معروف و ژنرال بازنشسته آمریکایی، سرگرم استخدام برخی از جنایتکاران شرکت کننده در جنگ ویتنام، برای انجام وظیفه "در فیلیپین" است. فزون بر این سینگ لائوب، که همچنین در مزدورگیری علیه نیکاراگوئه انقلابی نقشی کلیدی بازی می کند، می خواهد گروهی از "سربازان برگزیده" ارتش فیلیپین را برای "جنگ با پارتیزانها" تمرین دهد.

یادآور می شویم که پس از پایان مدت قرارداد آتش بس دولت با "جبهه ملی - دمکراتیک"، پارادیکر آتش جنگ با پارتیزانها شعله ور شده است. "جبهه ملی - دمکراتیک"، که در ۱۷ سال گذشته درگیر مبارزه مسلحانه با رژیم فیلیپین بوده است، سیزده حزب و سازمان چپگرا، از جمله "ارتش نوین خلق" و "حزب کمونیست فیلیپین" ("سی. پی. پی.") را در برمی گیرد. حزب اخیر فرآورده انشعابی است که سالها پیش در حزب برادر، "پارتیدو کمونیستا نگ پیلی پینا"، پدید آمد.

"جبهه ملی - دمکراتیک" از جمله نیروهایی بوده که با قانون اساسی جدید مخالفت ورزیدند و آن را "مغایر با منافع توده های زحمتکش" خواندند.

از دیگر مخالفان این قانون اساسی می توان از عناصر اپر محافظه کار و کمونیسم ستیزی چون هواداران انریله، وزیر دفاع سابق فیلیپین و طرفداران مارکوس نام برد. دولت آکینو بویژه مخالفت ۴۰ درصد "سربازان و افسران فعال" با قانون اساسی را "خطری جدی" ارزیابی کرده است.

از سوی دیگر فراندوم اخیر و رویدادهای پیش از آن حاکی از پشتیبانی بخش بزرگی از بورژوازی، قشرهای میانی شهرنشین، کلیسای متنفذ کاتولیک و توده های وسیع مردم از قانون اساسی جدید بوده است.

قانون اساسی نوین پابپای تاکید بر راه رشد سرمایه داری، از ضرورت حفظ منافع ملی، تضمین حقوق و آزادیهای مدنی و اجرای سیاست خارجی مستقل و صلح جوانانه سخن می گوید.

نیروهای مترقی فیلیپین، از جمله حزب برادر در آن کشور علیرغم انتقاد سرخستانه از پاره ای از مواد قانون اساسی تازه، به آن رای مثبت دادند. این موضع انتقادی بویژه متوجه آن بخش از قانون اساسی میشود، که راه بقای پیامدهای اقتصادی نواستعمار را بازمی گذارد و اصلاحات

همبستگی یونانیها با زندانیان سیاسی ایران

چندی پیش هیات نمایندگی "کمیته یونانی همبستگی بین المللی دمکراتیک" به دفتر سازمان ملل متحد در آتن مراجعه کرد و بیامی کتبی را خطاب به "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" به مسئول این دفتر تحویل داد. در بخشی از این پیام چنین می خوانیم: "ما از کمیسیون شما می خواهیم تا هر چه زودتر برای نجات جان زندانیان سیاسی، بهبود شرایط همه زندانیان ایران، آزادی زندانیان سیاسی، احترام به "بیانیه جهانی حقوق بشر" و اجرای مفاد آن از وجهه و نفوذ خود استفاده کنید".

اعلام همبستگی کمونیستهای اسرائیلی

شرکت کنندگان در اردوی کارآبادانی شهر ناصره، طی طومار بلندی، با صدها امضاء، با مبارزان خلق ایران و حزب توده ایران اعلام همبستگی کردند و خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند. این اردو هر ساله با حضور و شرکت نیروهای دمکرات و انقلابی و زحمتکش فلسطینی با هدف آبادانی و بازسازی این مرکز

ارضی را تنها بگونه ای گنگ مطرح می کند.

یگفته پروفیسور مرلین مگالونا، دبیر کل حزب برادر، سیاست کمونیستها "سیاست همه چیز یا هیچ چیز نیست. با شرکت گسترده و فعال حزب مادر بسیج مردم، می توان از اصول این سند، بمثابة افزاری کارا در پیکار با امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقلال ملی، صلح و پیشرفت اجتماعی بهره گرفت". کمونیستهای فیلیپین بویژه برای آن ماده از قانون اساسی ارزش فراوان قائل هستند، که از "فیلیپینی بری از جنگ افزارهای هسته ای" یاد می کند.

یگفته مرلین مگالونا "حزب ما از هیچگونه کوششی برای بسیج توده مردم در راه پیشبرد این اصل سرباز نخواهد زد". چگونگی اجرای قانون اساسی جدید فیلیپین تا اندازه زیادی بستگی به ترکیب مجمع قانونگزاری، یعنی "کنگره" این کشور خواهد داشت، که فراراست اعضا آن روز ۱۱ مه انتخاب شوند. اما برای آن که تصور واقع بینانه ای در این باره داشته باشیم، یادآور می شویم که برای نمونه، نامزدی مجلس سنا مستلزم تقبل نزدیک به ۲۵ میلیون دلار هزینه است.

باید دید دولت آکینو برای غلبه بردشواریهایی عظیم اجتماعی - اقتصادی کنونی (۵۰ درصد بیکاری، ۸۰ درصد بیسوادی، ۲۸ میلیارد دلار بدهی ارزی و...) چه راهی را انتخاب خواهد کرد؛ تکیه بر راه و پشتیبانی خلق و یا تسلیم در برابر ارتجاع و امپریالیسم؟

بزرگ عربی در اسرائیل تشکیل می شود. در بین امضا کنندگان نام برخی از رفقای کمیته مرکزی و اعضای برجسته حزب کمونیست اسرائیل از جمله توفیق زیاد عضو پارلمان و شهردار ناصره دیده می شود. و نیز گروهی از وکلای دادگستری، کارگران و زحمتکشان، شاعران و نویسندگان و دانشجویان اسرائیلی در زمره کسانی هستند که طومار همبستگی را امضا کرده اند.

صلح و آزادی برای ایران

چند روز پیش گردهمایی وسیع و باشکوهی زیر شعار "صلح و آزادی برای ایران" به مناسبت ۴۵ - مین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، در شهر "ملاکوف" واقع در حومه پاریس برگزار شد. ژان کلاول، معاون اول شهردار "ملاکوف"، طی بیاناتی ضمن افتتاح مراسم جشن، همبستگی عمیق خود را با مردم میهنمان و حزب توده ایران اعلام کرد.

سپس نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه با تقدیم درودهای صمیمانه و گرم کمونیستهای کشورش، با اشاره به دامنه وسیع قساوت، شکنجه و اعدام علیه نیروهای مترقی و دمکرات از روحیه مبارزه جویی و شجاعت مردم ایران بویژه در اعتصاب اخیر زندانیان سیاسی تقدیر کرد و اظهار داشت: "ما قویا در کنار همه کسانی که در برابر این رژیم تنفربرانگیز مقاومت و مبارزه می کنند و بویژه در کنار حزب توده ایران ایستاده ایم".

وی در پایان سخنان خود اختناق و ادامه جنگ ایران و عراق را محکوم کرد و همبستگی عمیق کمونیستهای فرانسه را با مردم ایران و سایر نیروهای دمکراتیک اعلام داشت.

واحدهای محلی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تنی چند از شخصیت های سیاسی - بقیه در ص ۲

تقویم توده
سال ۱۳۶۶
منتشر شد

کمکهای مالی رسیده:

سام ۵ دلار
ناتاشا از بوخوم ۲۰۰ مارک
عسکر از کلن ۷۰ مارک
بیژن از دانمارک ۲۰۰ فرانک
بیاد پیمان ۳۳۸ مارک

NAMEH MARDOM
Nr. 145

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

10 March 1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است